

**Investigating the effect of social capital indicators on the accountability of government institutions: Case study of Kermanshah**

Fatemeh Mansori<sup>1</sup>  
Iraq Ranjbar<sup>2</sup>  
Hamidreza Saeedynzhad<sup>3</sup>

Received: 03 Sep 2020  
Reception: 20 Jan 2021

**Discussion:** The article examines the relationship between social capital and the accountability of government institutions. To examine the independent variable, four components of social capital have been used, including: awareness, public trust, institutional trust and informal political participation, and the dependent variable is the accountability of government institutions.

**Research Method:** Quantitative research method and technique used is a questionnaire. The statistical population of the study is the population of 18 to 65 year's old living in Kermanshah. Using Cochran's formula, 384 people were selected as a sample and randomly. The relationship between the independent variable and the dependent variable has also been measured using multivariate regression.

**Conclusion:** The findings show that the variables of "informal political participation and awareness" have a positive effect on the accountability of government institutions. In other words, the higher the level of informal political participation and awareness in a society, the more desirable the accountability of government institutions is. However, the influence of the variables of "public trust and institutional trust" on the accountability of government institutions is not confirmed.

**Keywords:** Social Capital, Awareness, Public Trust, Institutional Trust, Informal Political Participation, Accountability.

---

1. Ph.D. Student in Political Science Department, Faculty of Law and Political Science, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran. [f.mansori@gmail.com](mailto:f.mansori@gmail.com)

2. Assistant Professor of the Political Science Department, Faculty of Law and Political Science, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran (Corresponding Author). [Iraj\\_ranjbar79@yahoo.com](mailto:Iraj_ranjbar79@yahoo.com)

3. Assistant Professor of the Political Science Department, Faculty of Law and Political Science, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran. [saeedy52@yahoo.com](mailto:saeedy52@yahoo.com)

### بررسی تأثیر شاخص‌های سرمایه اجتماعی بر پاسخگویی نهادهای حکومتی: مطالعه موردی شهر کرمانشاه

فاطمه منصوری<sup>۱</sup> دریافت: ۱۳۹۹/۶/۱۳  
ایرج رنجبر<sup>۲</sup> پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱  
حمیدرضا سعیدی نژاد<sup>۳</sup>

#### چکیده

مقاله پیش‌رو به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با پاسخگویی نهادهای حکومتی می‌پردازد. برای بررسی متغیر مستقل از چهار مؤلفه سرمایه اجتماعی از جمله: آگاهی، اعتماد عمومی، اعتماد نهادی و مشارکت سیاسی غیررسمی استفاده‌شده و متغیر وابسته، پاسخگویی نهادهای حکومتی است.

روش پژوهش کمی و تکنیک مورد استفاده، پرسشنامه می‌باشد. جامعه آماری تحقیق جمعیت ۱۸ تا ۶۵ سال ساکن در شهر کرمانشاه می‌باشند که با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۳۸۴ نفر به‌عنوان نمونه و به‌صورت تصادفی انتخاب‌شده و رابطه متغیر مستقل با متغیر وابسته نیز با استفاده از روش رگرسیون چند متغیره موردسنجش قرار گرفته است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد متغیرهای «مشارکت سیاسی غیررسمی و آگاهی» بر پاسخگویی نهادهای حکومتی تأثیر مثبتی دارند. به این معنا که هر چه سطح مشارکت سیاسی غیررسمی و آگاهی در یک جامعه بیشتر باشد به همان میزان پاسخگویی نهادهای حکومتی

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.  
۲. استادیار گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول).  
Iraj\_ranjbar79@yahoo.com  
۳. استادیار گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی کرمانشاه.

نیز مطلوب‌تر است. اما تأثیرگذاری متغیرهای «اعتماد عمومی و اعتماد نهادی» بر پاسخگویی نهادهای حکومتی مورد تأیید قرار نمی‌گیرد.

**واژگان کلیدی:** سرمایه اجتماعی، آگاهی، اعتماد عمومی، اعتماد نهادی، مشارکت سیاسی غیررسمی، پاسخگویی.

## مقدمه و بیان مسئله

قدرت مطلقه شاهان و گستردگی و بی‌کرانگی دامنه اختیارات حاکمان سیاسی همواره به‌عنوان مانع اصلی توسعه سیاسی و تحقق مفهوم «شهروندی» از سوی فیلسوفان سیاست مورد اشاره قرار گرفته است. بداهت چنین استدلال و نظری در میانه سده نوزدهم میلادی، چنان بر ذهن و ضمیر متفکران ایرانی سایه افکنده بود که سعادت سیاسی و اجتماعی جامعه را جز از مجرای مشروط و محدود نمودن قدرت سیاسی مقدر و ممکن نمی‌پنداشتند. از نظر آن‌ها با تجربه‌آموزی از ممالک مترقیه عالم، تنها محمل مهار قدرت سیاسی تأسیس نهادهایی است که نقش و کارکرد آن‌ها جلوگیری از فساد قدرت و «دمکراتیک» نمودن نظام سیاسی در جامعه است. این متفکران به‌رغم تمایز در خاستگاه اجتماعی و تفاوت برداشت از نهادهای جدید و نسبت آن‌ها با «سنت» ایرانی و اسلامی، تمامی تلاش خود را در راستای استقرار چنین نهادهای صرف نمودند. تأسیس نهادهای سیاسی و حقوقی جدید در ایران دستاورد نهضت مشروطه‌خواهی این متفکران بود. باین‌وجود، نهادهای مذکور در عمل برخلاف ممالک مترقیه، نقش و کارکرد خود را در راستای حاکمیت قانون و انتظام امور و در نتیجه کارآمدی نظام سیاسی ایفا نمودند. هر نظام سیاسی برآمده از بنیادهای ارزشی خاص خود هستند و برای به عمل درآوردن ارزش‌ها، ساختارها و نهادهای حکومتی مناسب خود را شکل می‌دهند. با توجه به اینکه هرکدام از این ساختارها و نهادها وظایفی را بر عهده می‌گیرند و به‌نظام سیاسی برای دستیابی به اهدافش یاری می‌رسانند بنابراین اصل اساسی در کارایی یک نظام سیاسی، توجه به وضعیت عملکردی نهادهاست. عملکرد نهادی مبتنی است بر تقاضاهای اجتماعی - کنش سیاسی - حکومت - انتخاب سیاست و اجرا. یک‌نهاد دموکراتیک خوش عملکرد باید از دو ویژگی پاسخگویی و کارآمدی برخوردار باشد: یعنی حساس نسبت به تقاضاهای مخاطبینش و کارآمد در استفاده از منابع محدود برای برآوردن این تقاضاها (پاتنام، ۱۳۹۲: ۳۲-۳۱). در تحقیق پیش رو، عملکرد نهادی در قالب پاسخگویی نهادهای حکومتی مورد بررسی قرار گرفته است. پاسخگویی در دو شکل متمایز تقسیم‌بندی می‌شود: اول پاسخگویی رهبران در برابر پیروان یا حکام در برابر آنان که بر ایشان حکم می‌رانند یا پاسخگویی دولتمردان در برابر شهروندان یا مردم. این شکل از پاسخگویی دموکراتیک می‌نامند، زیرا قدرت در نهایت از آن مردم است (ابراهیم‌آبادی، ۱۳۸۴: ۳).

سازمان ملل متحد برای حکمرانی خوب و مطلوب شاخص هشت‌گانه‌ای را مطرح کرده است. بر این اساس یکی از معیارهای اساسی مطرح‌شده از سوی سازمان ملل برای یک نظام سیاسی کارآمد، پاسخگویی نهادهای حکومتی در قبال شهروندان است. بسیاری از دانشمندان وجود یک نظام پاسخگوی کارآمد را به‌عنوان ضرورتی انکارناپذیر برای رشد و توسعه می‌دانند. نظامی به سمت توسعه سوق می‌یابد که یک رابطه نظام‌اند پاسخ‌خواهی و پاسخگویی را بین شهروندان و دولت برقرار سازد (هیوز، ۱۳۷۷: ۲۸۲). پاسخگویی نهادها و سازمان‌ها و از جمله نهادهای حکومتی می‌تواند به‌عنوان ابزار اساسی برای مبارزه با فساد مورد توجه قرار گیرد. هدفی که در پاسخگویی دنبال می‌شود اطلاع‌رسانی به شهروندان در خصوص چرایی و چگونگی عملکرد نهادهاست تا شهروندان نیز بتوانند به‌درستی درباره آن‌ها تصمیم‌گیری کنند. پاسخگویی یکی از مهم‌ترین مکانیسم‌های هر نظام سیاسی برای حفظ مقبولیت در بین افراد جامعه بوده و می‌تواند پیش‌نیازی اساسی برای مقابله با سوءاستفاده از قدرت به حساب بیاید. پاسخگویی باعث می‌شود که نهادها در قبال عملکردهای خود احساس مسئولیت کنند و به دلیل رصد عملکردهایشان توسط مردم سعی کنند تصمیماتی اتخاذ کنند که به‌دوراز نفع شخصی و نفع عامه را در برگیرد. نظام سیاسی پاسخگو نه تنها در داخل کشور باعث جلب اعتماد مردم می‌شود بلکه در سطح بین‌المللی نیز از اعتبار و جایگاه بالاتری برخوردار می‌گردد. در این مقاله تلاش شده است با استفاده از نظریه جامعه‌محور و با نگاهی از پایین به بالا و از طریق شهروندان جامعه و در قالب مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، راه‌های پاسخگو نمودن نهادهای حکومتی مورد مطالعه قرار گیرد. تأثیرگذاری سرمایه اجتماعی بر موضوعات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در قالب تحقیقات گوناگون به اثبات رسیده است و در این تحقیق بر آنیم تا تأثیر آن را بر پاسخگویی نهادهای حکومتی در شهر کرمانشاه از طریق چهار مؤلفه اساسی سرمایه اجتماعی (آگاهی، اعتماد عمومی، اعتماد نهادی و مشارکت سیاسی غیررسمی) مورد بررسی قرار دهیم. آگاهی از وضعیت شاخص‌های سرمایه اجتماعی می‌تواند به تلاش بیشتر نهادهای حکومتی برای جلب اعتماد مردم و فراهم آوردن زمینه‌های تقویت مشارکت در جامعه منجر شود و در مرحله بعد میزان اثرگذاری سرمایه اجتماعی و شاخص‌های آن بر پاسخگویی نهادهای حکومتی سنجیده می‌شود. برای سنجش تأثیرگذاری سرمایه اجتماعی بر پاسخگویی نهادهای سیاسی از نظریه

رابرت پاتنام استفاده شده است. و اینکه این نظریه تا چه حد می‌تواند درباره شرایط ایران مورد استفاده قرار گیرد.

### پیشینه تجربی تحقیق

#### پیشینه تحقیقات انجام شده در داخل کشور

مقاله تحت عنوان اثر سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب (۱۳۸۸) اثر خلیل‌الله سردار نیا با استفاده از روش نظری به بررسی آثار سرمایه اجتماعی (انجمن‌های مدنی، شبکه‌های اجتماعی و درگیر شدگی مدنی) بر حکمرانی شهری با به‌کارگیری دو شاخص پاسخگویی و کارآمدی بهتر پرداخته است و از یافته‌های تجربی پژوهشگران به‌عنوان داده‌های تجربی ثانوی بهره گرفته است.

علی‌ساعی و همکاران (۱۳۹۰) در یک تحلیل تطبیقی بین کشوری با عنوان «سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب: تحلیل فازی بین کشوری از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸» به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب پرداخته‌اند. نتیجه تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد که با افزایش سرمایه اجتماعی و تعامل دولت و مردم در پروژه‌های مشترک، فضیلت مدنی در بین شهروندان نهادینه شده و به بهبود حکمرانی کمک می‌کند. به عبارت دیگر تبادل ارتباطات و اعتماد بین دولت و شهروندان به بالا رفتن کارایی جامعه و دولت منجر می‌شود و پیامد آن حکمرانی خوب است. به عبارت دیگر سرمایه اجتماعی به مشارکت فعال شهروندان در سیاست منجر می‌شود.

مقاله تحت عنوان تأثیر سرمایه اجتماعی بر میزان عملکرد کارکنان سازمان‌های نیروهای مسلح جمهوری اسلامی با تأکید بر اعتماد، مشارکت و شبکه روابط متقابل اجتماعی (۱۳۹۲) غلامرضا نصیرپور و یاسر شیخ‌ویسی با استفاده از روش پیمایشی به بررسی سرمایه اجتماعی بر عملکرد کارکنان نیروهای مسلح باهدف بالا بردن میزان عملکرد کارکنان در راستای اهداف سازمانی، توانمندسازی گروه‌ها می‌پردازد. آنچه به دست آمده است نشان می‌دهد که رابطه قابل قبول و مثبتی میان متغیرهای مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی و روابط متقابل اجتماعی و عملکرد کارکنان نیروهای مسلح وجود دارد و از بین متغیرهای ذکر شده، متغیر اعتماد اجتماعی پیش‌بینی کننده قوی‌تر عملکرد کارکنان بوده است.

- مقاله بررسی بین کشوری عوامل مؤثر بر شکل‌گیری اعتماد به نهادهای رسمی (۱۳۹۲) نوشته شارع پور، فاضلی و اقراریان که با استفاده از روش تحلیل ثانویه انجام شده است. این مقاله با تقسیم کشورها به شش گروه آن‌ها را از لحاظ میزان اعتماد به نهادهای رسمی مورد بررسی قرار داده و برای سنجش میزان اعتماد از ۱۰ متغیر (پاسخگویی و شفافیت، ثبات سیاسی، کارآمدی حکومت، کیفیت تنظیم‌کنندگی دولت، حاکمیت قانون، کنترل فساد، دموکراسی انتخاباتی، حقوق سیاسی، آزادی مدنی و مشارکت اجتماعی) بهره گرفته است. نتیجه به دست‌آمده نشان می‌دهد که بین شش گروه از کشورها تفاوت معناداری از لحاظ متغیرهای کنترل فساد، حاکمیت قانون، کارآمدی حکومت و اعتماد به نهادهای رسمی وجود دارد اما از لحاظ دموکراسی انتخاباتی، حقوق سیاسی و آزادی مدنی و مشارکت اجتماعی با اعتماد به نهادهای رسمی وجود ندارد.

- پایان‌نامه «تأثیر سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب شهری: مطالعه موردی شهر قزوین» (۱۳۹۴) نوشته زهره غیاثوند محمدخانی با بهره‌گیری از متغیرهای سرمایه اجتماعی از جمله اعتماد، آگاهی، مشارکت در صدد است که رابطه آن‌ها را بر حکمرانی شهری مورد مطالعه قرار داده و زمینه را برای اجرای الگوی حکمرانی خوب شهری جهت اداره بهتر شهر قزوین فراهم کند. نتیجه به دست‌آمده از این مطالعه نشان می‌دهد که رابطه مثبت و معناداری میان متغیرهای سرمایه اجتماعی و متغیر حکمرانی خوب شهری در جامعه آماری مورد مطالعه وجود دارد. به این معنا که با افزایش سرمایه اجتماعی، میزان حکمرانی خوب شهری در شهر قزوین افزایش و با کاهش آن، کاهش می‌یابد.

### پیشینه تحقیقات انجام‌شده در خارج از کشور

- دیوید ایستون<sup>۱</sup> در قالب نظریه سیستمی خود به این نتیجه رسیده است که در قالب تقاضاها و حمایت از نظام سیاسی هراندازه انجمن‌های مدنی و جامعه مدنی تقویت شوند به همان میزان می‌توانند با تأثیر بر تصمیمات و کنش‌های دولت، بر کارآمدی و پاسخگویی نظام سیاسی بیفزایند. (دیوید ایستون، ۱۹۶۵ و ۱۹۵۳) از نظر ایستون توانایی نظام در برابر تحرکات پیرامون تقاضاهای به دست‌آمده از سوی گروه‌ها و افراد نشان می‌دهد برخی نظام‌ها در برابر تقاضاهای محیط پیرامون خود واکنش سریع و مناسب نشان می‌دهند و پاره‌ای دیگر از خود انعطاف بروز نمی‌دهند.

- آلموند و وربا (۱۹۶۳) در مطالعه خود در خصوص فرهنگ مدنی استدلال کرده‌اند اعتماد اجتماعی، تساهل و احساسات کارآمد موجب کارکرد مؤثر نهادهای دموکراتیک و کارآمدی حکومت می‌شود. آلموند و وربا جامعه مدنی را به‌عنوان بخش حیاتی دموکراسی آمریکا و انجمن‌های داوطلبانه را به‌مثابه ابزارهایی که سرانجام دموکراسی آمریکا را بیمه خواهند کرد می‌نگریستند.

- بویکس<sup>۲</sup> و پوزنر<sup>۳</sup> (۱۹۹۸) تأثیر مدیریت سرمایه اجتماعی بر عملکرد حکومت در کشورها را مورد بررسی قرار داده‌اند و نتیجه به‌دست آمده این است که نهادهای دانشگاهی و سیاسی به‌منظور دستیابی به اهداف خود به سرمایه اجتماعی نیاز دارند.

- دنیس<sup>۴</sup> (۲۰۰۳) در مقاله «سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب» تأثیر مشارکت مدنی بر کارایی دولت را مورد بررسی قرار می‌دهد. وی با استفاده از روش داده‌های تابلویی بین سال‌های ۲۰۰۲-۱۹۹۸ در بین کشورهای منتخب جهان به مطالعه پرداخته است. از نظر وی بالا رفتن سرمایه اجتماعی می‌تواند حکمرانی خوب را ارتقا دهد.

- بررسی سمپسون و همکارانش (۲۰۰۵) نشان داده است جامعه مدنی و تأثیرگذاری آن بر تصمیم‌گیری‌ها و عملکردهای نهادهای دولتی ابزاری مهم برای بهبود حکمرانی محسوب می‌شود. آن‌ها همچنین به این نتیجه رسیده‌اند که پیوندهای اجتماعی، تراکم و فشردگی انجمن و عضویت در انجمن‌های داوطلبانه می‌تواند به درگیر شدن و مشارکت مدنی بیشتر شهروندان در پیوند با حکمرانی خوب بیانجامد.

با جمع‌بندی مطالعات انجام‌یافته در داخل و خارج از کشور می‌توان نتیجه گرفت که اغلب مطالعات صورت گرفته یا در سطح خرد به مطالعه تأثیر سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب شهری (مدیریت شهری) پرداخته‌اند و یا اثرگذاری سرمایه اجتماعی را بر ارتقای فعالیت‌های مدنی شهروندان سنجیده‌اند و تأثیرگذاری سرمایه اجتماعی بر عملکرد نهادهای حکومتی مغفول مانده است و از آنجاکه یکی از پیش‌نیازهای اساسی در راستای ایجاد یک نظام سیاسی کارآمد و دموکراتیک تقویت مؤلفه پاسخگویی نهادهای حکومتی است لذا نیاز به انجام مطالعه‌ای که به بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر پاسخگویی نهادهای حکومتی (در سطح کلان) پردازد بسیار احساس شده است. بنابراین نسبت تحقیق پیش رو نسبت به مطالعات پیشین دارای نوآوری است.



## پیشینه نظری

برخی نخستین کاربرد مفهوم سرمایه اجتماعی را به الکسی دو توکویل<sup>۵</sup> نسبت می‌دهند. وی در سال ۱۸۳۱ میلادی باهدف بررسی مردم‌سالاری به آمریکا مهاجرت کرد و در جریان این سفر، توجهش به روابط انجمن‌ها و مؤسسات غیردولتی مردم آمریکا جلب شد. او دریافت که روابط مردم آمریکا در آن مؤسسات «داوطلبانه و غیررسمی» ولی پویاتر از روابط سازمان‌های رسمی و دولتی اروپاست. نقش سازمان‌های مزبور برقراری ارتباط، ایجاد اعتماد بین مردم و تحکیم دموکراسی در آمریکا بود (رهبر و حیدری، ۱۳۹۰: ۲۲۲). اما برخی دیگر نخستین کاربرد این مفهوم را به کارل مارکس<sup>۶</sup> نسبت می‌دهند. کارل مارکس در کتاب «سرمایه» به مسئله همبستگی از روی اجبار و ضرورت توجه نشان می‌دهد. تأکید او بر همبستگی از روی ضرورت بدین معنی است که شرایط منفی و بحرانی افراد را به‌سوی استفاده از انرژی جمعی، توانایی‌های بالقوه جمعی، اتکا به یکدیگر و توسل به پشتیبانی یکدیگر و استفاده از پتانسیل‌های گروهی ترغیب می‌کند؛ یعنی همان استفاده از انرژی جمعی و اتکا به پشتیبانی افراد در مناسبات جمعی به‌نحوی که منجر به آگاهی و کنش جمعی معطوف به هدف شود.

ماکس وبر<sup>۷</sup> از دیگر اندیشمندانی است که به‌صورت غیرمستقیم درباره اصطلاح سرمایه اجتماعی صحبت کرده است. وی تأکید فراوانی بر اهمیت فرهنگ و اعتمادی که ناشی از مذهب است داشت.

اندیشه‌های جرج زیمل<sup>۸</sup> به‌خصوص درباره پردازش مفهوم «بده و بستان» یا «دادوستد» نزدیکی خاصی با سرمایه اجتماعی دارد. مبنای این بده بستان، هنجارها و قواعد رفتاری است که افراد برای سامان دادن به مناسبات بین فردی، مبادلات و تعاملاتی که برای بقا خود ضروری می‌دانند وضع می‌کنند (علاقبند، ۱۳۸۴: ۴-۶).

امیل دورکیم معتقد است سرمایه اجتماعی بر مبنای تعهداتی که مبنای آن‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی است قابل‌تعریف است. به نظر او همه روابط، تعاملات و همکاری‌ها ریشه در هنجارهای ارزشی جامعه دارند. تأکید دورکیم بر «عنصر غیر قراردادی قرارداد» نشان از اهمیت مؤلفه‌هایی چون اعتماد در جامعه دارد (عطار، ۱۳۹۱: ۲۲-۱۹).

اما در قرن بیستم اصطلاح سرمایه اجتماعی در بسیاری از حوزه‌های علوم اجتماعی

موردتوجه قرار گرفت و این اصطلاح نخستین بار در سال ۱۹۱۶ در مقاله‌ای توسط لیدا جادسون‌هانی فان<sup>۹</sup> مطرح شد. او بر جنبه کار خیر، دلسوزی متقابل و رابطه اجتماعی تأکید داشت. به نظر وی همکاری متقابل و درک مزیت ارتباط با دیگران موجب خواهد شد که تمام افراد جامعه در سود حاصله شریک شوند (صالحی امیری و امیر انتخابی، ۱۳۹۲: ۶۴).

در سال ۱۹۶۱ جین جاکوب<sup>۱۰</sup> در اثر کلاسیک خود به نام «مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی» به صورت مبسوط درباره این اصطلاح صحبت کرده است. او در آنجا توضیح داده است که شبکه‌های اجتماعی فشرده در محدوده‌های حومه قدیمی و مختلط شهری صورتی از سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهد و در ارتباط با حفظ نظافت، عدم وجود جرم و جنایات خیابانی و دیگر تصمیمات در مورد بهبود کیفیت زندگی در مقایسه با عوامل نهادهای رسمی مانند نیروهای حفاظتی پلیس و نیروهای انتظامی، مسئولیت بیشتری از خود نشان می‌دهد (فوکویاما، ۱۹۹۷: ۱۰).

در دهه ۱۹۷۰ این اصطلاح برای تحلیل میراث اجتماعی برده‌داری به کار گرفته شده است. گلن لوری معتقد است که سرمایه اجتماعی با تفاوت در میزان برخورداری از فرصت‌ها از طریق ارتباطات اجتماعی برای جوانان وابسته یا غیر وابسته به اقلیت‌های نژادی رابطه پیدا می‌کند ولی هیچ‌گونه برخورد نظام‌مندی با روابطی که بین این نوع سرمایه و سایر اشکال سرمایه برقرار است مشاهده نمی‌شود (پورتس، ۱۹۹۸: ۴). لین با طرح نظریه منابع اجتماعی (۱۹۸۲) مشخصاً این مسئله را مطرح کرده است که دستیابی به منابع اجتماعی و استفاده از آن‌ها (منابع نهفته در شبکه‌های اجتماعی) می‌تواند به موقعیت‌های اجتماعی-اقتصادی بهتری منجر شود. لین منابع ارزشمند در اکثر جوامع را ثروت، قدرت و پایگاه اجتماعی معرفی می‌کند و لذا سرمایه اجتماعی افراد را برحسب میزان یا تنوع ویژگی‌های دیگرانی که فرد با آن‌ها پیوندهای مستقیم و غیرمستقیم دارد قابل سنجش می‌داند (لین، ۱۹۹۹: ۱۱). در امتداد این سیر تاریخی-مفهومی، این مفهوم به تدریج از دهه ۹۰ به این سو در ترها و مقالات دانشگاهی به کار رفت. به ویژه در رشته‌های جامعه‌شناسی، اقتصاد، سیاست و آموزش باکارهای افرادی چون کلمن، پاتنام، فوکویاما و بوردیو افزایش یافت؛ و در دهه ۱۹۸۰ میلادی این اصطلاح توسط جیمز کلمن<sup>۱۱</sup> جامعه‌شناس در معنای وسیع‌تری مورد استفاده قرار گرفت و رابرت

پاتنام<sup>۱۲</sup> دانشمند علوم سیاسی نفر دومی بود که بحثی قوی و پرشور درباره سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی ایتالیا و ایالات متحده آمریکا برانگیخت (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۰).

### چهار چوب نظری

در این تحقیق برای بررسی رابطه بین متغیر مستقل و وابسته از نظریه رابرت پاتنام در خصوص تأثیر سرمایه اجتماعی بر عملکرد نهادها و حکومت‌های محلی استفاده شده است. سرمایه اجتماعی کمیتی است که لحاظ کردن آن امکان ترمیم و به گشت اجتماعی را در عرصه‌های مختلف جامعه به وجود آورده و مشارکت را در زمینه‌های مختلف تقویت می‌کند و نیز اعتماد و ابعاد آن انسجام همبستگی را بین عناصر شبکه‌های اجتماعی امکان‌پذیر خواهد ساخت (امیریان و همکاران، ۱۳۹۸: ۸). نظریه سرمایه اجتماعی در حقیقت در یک جمله ساده خلاصه شده است: «روابط مهم است»؛ یعنی انسان‌ها با ایجاد ارتباط با یکدیگر و تلاش برای حفظ و تداوم آن قادر خواهند بود با همدیگر کار کرده و به اهدافی دست یابند که اگر به تنهایی کار می‌کردند یا موفق نمی‌شدند و یا به‌سختی می‌رسیدند و این بدین معنی است که هرچه مردم بیشتری را بشناسیم و با آنان در بینش و نگاه مشترک باشیم در سرمایه اجتماعی ثروتمندتر هستیم (فیلد، ۱۳۸۵: ۱). پاتنام سرمایه اجتماعی را به‌عنوان مفهومی توضیح‌دهنده برای تشریح جنبه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی وارد علوم سیاسی کرده است و تأکید عمده وی بر تأثیر سرمایه اجتماعی بر رژیم‌های سیاسی و نهادهای غیر دموکراتیک مختلف است. از نظر وی مهم‌ترین عامل در توضیح حکومت خوب درجه نزدیکی زندگی سیاسی و اجتماعی یک منطقه به ایدئال جامعه مدنی است او سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از مفاهیم مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع شده و در نهایت منافع متقابل آنان را تأمین خواهد کرد. پاتنام با وارد کردن اعتماد به همراه کنش متقابل (به‌عنوان عنصر بنیادی هنجارهایی که در نتیجه شبکه‌های اجتماعی به وجود می‌آیند) در سازه نظریه سرمایه اجتماعی، در بهبود نسبی تعریف‌های نخستین سرمایه اجتماعی گام مهمی برداشت (پاتنام، ۳۷۹: ۱۷۷). از نظر وی اعتماد و ارتباط متقابل اعضا در شبکه، منابعی هستند که در کنش‌های اعضا جامعه موجود است. اعتماد منبع بارزشی از سرمایه محسوب می‌شود که اگر در حکومتی به میزان زیاد اعتماد وجود داشته باشد به همان

میزان رشد سیاسی و توسعه اجتماعی بیشتر خواهد شد (پاتنام، ۳۷۹: ۲۸۵). پاتنام از دو مفهوم «سرمایه اجتماعی درون‌گروهی»<sup>۱۳</sup> و «سرمایه اجتماعی بین‌گروهی»<sup>۱۴</sup> برای تکمیل نظریه خود استفاده می‌کند. او از سرمایه اجتماعی درون‌گروهی یا انحصاری برای انجمن‌هایی استفاده می‌کند که با تأکید بر انسجام درونی، به حذف غریبه‌ها می‌پردازند و سرمایه اجتماعی میان‌گروهی یا ارتباط‌دهنده را برای سرمایه اجتماعی‌ای به کار می‌برد که به انجمن‌ها کمک می‌کند تا با گروه‌های دیگر (غریبه‌ها) در جامعه ارتباط برقرار کنند (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۳۳). بدین‌سان، «سرمایه اجتماعی انحصاری» تمایل به تقویت هویت‌های انحصاری و حفظ همانندی‌های گروهی دارد درحالی‌که «سرمایه اجتماعی ارتباط‌دهنده» به گرد هم آوردن مردم از اقشار مختلف اجتماعی تمایل دارد که البته هرکدام از این اشکال در برابر نیازهای خاصی که احساس شود کارکرد خاص خود را دارد. بدین معنا، سرمایه اجتماعی انحصاری برای تقویت تعامل در حوزه محدود و خاص و ایجاد تحرک در همبستگی مناسب است و نوعی چسب و ملاط محکم جامعه‌شناختی در حفظ وفاداری‌های گروهی و تقویت هویت‌های خاص به حساب می‌آید. لیکن سرمایه اجتماعی ارتباط‌دهنده برای دستیابی به امکانات خارجی و اشاعه اطلاعاتی مناسب است که هویت‌های عام و تعامل متنوع‌تر و گسترده‌تری را تأمین می‌کند (محمدی، ۱۳۸۴: ۶۵-۶۴). وانگهی، پاتنام سرمایه اجتماعی درون‌گروهی را برای گذشتن از موانع مفید می‌داند و معتقد است که سرمایه اجتماعی ارتباط‌دهنده برای پیشرفت ضروری است.

توجه خاص پاتنام به کارکردهای سیاسی سرمایه اجتماعی است و ابراز می‌دارد که در دموکراسی‌هایی که از سرمایه اجتماعی مطلوبی برخوردار هستند شهروندان آگاه بیشتر مراقب رهبران منتخب برای پاسخگویی به عملکرد خود هستند و رهبران نیز از مورد بازخواست قرار گرفتن خودآگاهی کامل دارند (پاتنام، ۱۳۸۰: ۶۲).

وی در کتاب دموکراسی و سنت‌های مدنی (۱۹۹۳) درباره سیاست‌های محلی ایتالیا به مطالعه پرداخت و درصدد پاسخ به این سؤال است که باینکه حکومت‌های محلی شمال و جنوب ایتالیا در یک‌زمان تشکیل شده‌اند، چرا حکومت‌های محلی شمال ایتالیا از دموکراسی کارآمدتر و مدیریت قابل‌اتکا، پاسخگو و کارایی برخوردار هستند. پاتنام به این نتیجه می‌رسد که تفاوت این دو منطقه به علت تفاوت در بهداشت، گرایش‌های سیاسی، ویژگی‌های جمعیت

شناختی و جغرافیایی نیست بلکه تفاوت آشکاری در فعالیتهای مدنی دارند. در شمال ایتالیا مردم تمایل زیادی به مشارکت در انجمن‌ها و علاقه زیادی به امور عمومی دارند که به شکل مطالعه روزنامه‌ها و گردهمایی‌های انتخاباتی نمود می‌یابد. در جنوب ایتالیا حیات اجتماعی به شدت مورد بی‌اعتنایی قرار داشته و از فعالیتهای سیاسی به عوام‌فریبی و فساد تعبیر می‌شود (پاتنام، ۱۳۸۰). در شمال ایتالیا نهادهای جمعی و مدنی بهتر و قوی‌تری فعالیت داشته‌اند و مردم بیش‌تر در انتخابات مشارکت کرده‌اند و فعالانه به نظارت عمومی پرداخته و روی حقوق خویش آگاهی و اصرار داشته‌اند، از این‌رو عملکرد سازمان‌های اداری، مطلوب‌تر بوده است. در حالی که در جنوب ایتالیا، شهروندان چنین رویکردی نداشتند و طبعاً ادارات نیز پاسخگوی آن‌ها نبوده و به این صورت، اعتماد متقابل میان حکومت منطقه‌ای و شهروندان آن آسیب‌دیده است. بر اساس مطالعات پاتنام در ایتالیا معیارهای عینی کارآمدی و معیارهای ذهنی رضایت مردم بارتبه برخی از مناطقی که پیوسته از برخی دیگر موفق‌تر بودند هماهنگی داشت. در عمل بدون استثناء هرچه محیطی مدنی‌تر بود حکومتش نیز کارآمدتر بود. از نظر خواست عمومی شهروندان در جوامع مدنی انتظار حکومت بهتر را دارند و آن را به دست می‌آورند. آن‌ها خواستار خدمات عمومی مناسب‌تر می‌باشند و برای دستیابی به اهداف مشترک حاضرند به صورت جمعی اقدام کنند (پاتنام، ۱۳۸۰: ۳۱۵).

پاتنام در تحلیل خود از عملکرد دولت‌های منطقه‌ای در ایتالیا، صریحاً جامعه مدنی را به حاکمیت دموکراتیک مرتبط می‌داند. او معتقد است که یک شبکه متراکم از انجمن‌های داوطلبانه با حمایت از هنجارهای متقابل و اعتماد و ارائه شبکه‌های اجتماعی، سرمایه اجتماعی ایجاد می‌کند که در نهایت به عملکرد مؤثر نهادهای دموکراتیک کمک می‌کند. این انجمن‌های مدنی چه در داخل خود انجمن و چه در خارج از آن به دموکراسی کمک می‌کنند. در داخل، این انجمن‌ها به اعضای خود کمک می‌کنند که نه تنها مهارت‌ها و منابع مشارکتی را کسب کنند بلکه هنجارها و ارزش‌های دموکراتیک را نیز بیاموزند و در خارج از انجمن‌ها، بیان و بازنمایی منافع شهروندان در یک کشور دموکراتیک را تسهیل می‌کنند (پارک و شین، ۲۰۰۳: ۴).

پاتنام معتقد است که جلب اعتماد میان مردم و دولتمردان و نخبگان سیاسی می‌تواند موجب توسعه سیاسی و دموکراسی شود. اگر شهروندی به دیگران اعتماد کند آن‌ها بیشتر

می‌توانند از روی میل درخواست همکاری و فعالیت اجتماعی داشته باشند (ملاحسنی، ۱۳۸۱: ۵۶).

بنابراین در سایه نبود سرمایه اجتماعی و انجمن‌های داوطلبانه، توانایی شهروندان برای اثرگذاری بر پویش‌های سیاسی و تصمیم‌گیری مرتبط با حکمرانی، کارآمدی و پاسخگویی بهتر اندک خواهد بود (مکلارگ<sup>۱۶</sup>، ۲۰۰۳: ۴۵۱). در این تحقیق بر آنیم که مدل نظری رابرت پاتنام را در رابطه بین سرمایه اجتماعی و عملکرد نهادهای حکومتی را موردبررسی قرار داده و اینکه این مدل آیا قابلیت تطبیق با شرایط ایران را دارد یا خیر را موردسنجش قرار دهیم.

#### نمودار (۱) مدل نظری تحقیق

فرضیه‌ای که در این تحقیق دنبال می‌شود عبارت است از:

فرضیه اصلی

بین سرمایه اجتماعی و پاسخگویی نهادهای حکومتی رابطه وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی

بین آگاهی و پاسخگویی نهادهای حکومتی رابطه وجود دارد.

بین اعتماد عمومی و پاسخگویی نهادهای حکومتی رابطه وجود دارد.

بین اعتماد نهادی و پاسخگویی نهادهای حکومتی رابطه وجود دارد.

بین مشارکت سیاسی غیررسمی و پاسخگویی نهادهای حکومتی رابطه وجود دارد.

#### تعریف نظری و عملیاتی متغیرهای تحقیق

متغیر مستقل تحقیق «سرمایه اجتماعی» و متغیر وابسته «پاسخگویی نهادهای حکومتی» است. برای متغیر سرمایه اجتماعی شاخص‌های آگاهی، اعتماد عمومی، اعتماد نهادی و مشارکت سیاسی غیررسمی موردبررسی قرار گرفته‌اند و برای متغیر وابسته نیز شاخص پاسخگویی نهادهای حکومتی موردبررسی قرار گرفته است.

## سرمایه اجتماعی

امروزه نقش سرمایه اجتماعی از سرمایه فیزیکی و انسانی در جوامع بسیار مهم تر است و شبکه‌های روابط جمعی و گروهی به روابط میان انسان‌ها، سازمان‌ها و انسان‌ها و نیز سازمان‌ها با یکدیگر انسجام می‌بخشد و در صورت عدم وجود سرمایه اجتماعی سایر سرمایه‌ها اثربخشی خود را از دست می‌دهند (الوانی و شیروانی، ۱۶: ۱۳۸۳). سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از هنجارهای موجود در سیستم‌های اجتماعی می‌داند که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای آن جامعه گردیده و موجب پایین آمدن سطح هزینه‌های تبادلات و ارتباطات می‌گردد؛ این تعریف سرمایه اجتماعی را به‌عنوان توانایی افراد برای کار با یکدیگر در جهت اهداف عمومی در گروه‌ها و سازمان‌ها تعریف می‌کند (فوکویاما، ۱۹۹۹: ۵). باروئر (باروئر، ۱۹۹۶: ۱۰۶). رابرت پاتنام بر این اعتقاد است که سرمایه اجتماعی وجوه گوناگون سازمان‌های اجتماعی نظیر اعتماد، هنجار و شبکه‌ها است که می‌توانند با ایجاد و تسهیل امکانات هماهنگ، کارایی جامعه را بهتر کنند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۲۷۸).

سرمایه اجتماعی در اندیشه پیر بوردیو عبارت است از موقعیت‌ها و روابطی که در درون گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی برای افراد دسترسی به فرصت‌ها، اطلاعات، منابع مادی و موقعیت اجتماعی را افزایش می‌دهد (طالع زاری و سعیدی، ۱۳۹۸: ۷). کارکرد سرمایه اجتماعی در نزد بوردیو بر این درک استوار است که افراد چگونه با سرمایه‌گذاری روی روابط گروهی، وضعیت اقتصادی خود را در یک فضای اجتماعی سلسله مراتبی بهبود می‌بخشند (تاج‌بخش، ۱۳: ۱۳۸۵).

جیمز کلنن در کتاب بنیادهای نظریه اجتماعی بر این عقیده است سرمایه اجتماعی از طریق کارکردش قابل تعریف است. سرمایه اجتماعی یک هستی منفرد نیست، بلکه تنوعی از هستی‌های متفاوتی است که دارای دو خصوصیت مشترک هستند. همگی دارای وجوهی از یک ساختار اجتماعی هستند و همگی کنش‌های خاصی از افراد داخل ساختار را تسهیل می‌کنند (کلنن، ۱۹۹۴: ۳۰۲).

## آگاهی

تعریف نظری: آگاهی مجموعه‌ای از عقاید و افکار و نظرات افراد در رابطه با زندگی اجتماعی و سیاسی می‌باشد. هدف از آگاهی در معنایی گسترده، توجه کردن به چیزهایی است که متعلق به امور عمومی می‌باشد (افه و فوش، ۲۰۰۲: ۱۹۰). همین‌طور سرمایه اجتماعی از طریق کنش مبتنی بر آگاهی و شناخت متقابل حاصل می‌شود و محصول تلاش پایان‌ناپذیری است که برای نهادینه کردن ارزش‌هایی که در تولید و بازتولید روابط پایدار و سودمندی که منافع مادی یا معنوی گروه را تأمین می‌کند صورت می‌گیرد (ابراهیم‌زاده و زارع، ۱۳۹۳: ۵). جایی که افراد از ماهیت مسائل آگاه نمی‌شوند یا ابزارهای موجود از جوابگویی به این مشکلات بی‌خبرند، فرصت‌های مشارکت اجتماعی، حس قوی یا ذخیره اجتماعی هم پایین‌تر خواهد بود (علاقبند، ۱۳۸۵: ۸۸).

تعریف عملیاتی: متغیر آگاهی از طریق ۶ سؤال و با استفاده از طیف لیکرت موردسنجش قرار گرفته است. از جمله گویه‌های مورد استفاده برای سنجش این متغیر عبارت‌اند از: آگاهی از نحوه انتخاب رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس خبرگان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شورای نگهبان و نمایندگان مجمع تشخیص مصلحت نظام و آگاهی از وظایف هر یک از این نهادها.

## اعتماد

نگرش مثبت میان اعضای شبکه را که به سبب شناخت و تعامل دوجانبه حاصل می‌گردد اعتماد می‌دانند؛ اعتماد به‌عنوان قلب اصلی سرمایه اجتماعی، باعث احساس امنیت، آرامش و تمایل به مشارکت می‌شود. اعتماد و جلب اعتماد به‌مثابه گریس اجتماعی فرض می‌گردد که چرخ مبادلات اجتماعی و اقتصادی را روغن کاری کرده و در صورت نبود آن تعاملات روزانه بسیار هزینه‌زا و سخت می‌گردد (شفیعا و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۴۵).

اعتماد بخشی از سرمایه اجتماعی و شاید مهم‌ترین و اساسی‌ترین بخش آن است. اعتماد عمومی آمادگی بالقوه شهروندان برای همکاری با یکدیگر و نیز آمادگی آن‌ها را برای وارد شدن در کوشش‌های مدنی نشان می‌دهد (خضری، ۱۳۸۴: ۵).



## اعتماد عمومی

اعتماد عمومی دلالت بر این دارد که مردم چقدر در روابط روزمره، قراردادهای، دادوستدها و همکاری‌های جمعی‌شان، یکدیگر را صادق می‌دانند و عمل به تعهدات و انتظارات متقابل را که مبتنی بر ارزش‌ها و هنجارهای جامعه است واجب تلقی می‌کنند (حبیب پور گنجابی و موسوی، ۱۳۹۵: ۳۷۶). به عبارت دیگر اعتماد عمومی یعنی انتظار مردم از پاسخ مثبت به خواسته‌های آنان از طریق متولیان امور عمومی. اعتماد عمومی حاصل باور افراد به توانایی‌های آن‌ها در اثرگذاری بر فراگرد توسعه سیاسی و تصور آنان از مراتب پاسخگویی و حساب دهی دولت اشاره دارد (درویشی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۳۷-۱۳۶).

اعتماد عمومی از طریق ۱۱ سؤال و با استفاده از طیف لیکرت موردسنجش قرار گرفته است. از جمله گویه‌های مورد استفاده برای سنجش این متغیر عبارت‌اند از: اغلب مردم تمایل دارند به یکدیگر کمک کنند، اکثر مردم در روابط اجتماعی به یکدیگر اعتماد دارند، اگر وسیله‌ای در اختیار کسی قرار دهم در حفظ و نگهداری آن خواهد کوشید.

## اعتماد نهادی

اعتماد نهادی یا اعتماد رسمی درباره ساختارهای غیرشخصی بحث می‌کند. اعتماد نهادی، اعتماد شهروندان به مؤسسات است. شهروندان انتظار دارند که مؤسسات و نهادها مطابق با نقش‌هایی که به موجب قانون یا هنجارهای اجتماعی به آن‌ها تعلق می‌گیرد کارآمد، مؤثر، عادلانه و اخلاقی عمل کنند (نیوتن ۲۰۰۶؛ کلاهر و ولک ۲۰۰۷؛ وارن ۱۹۹۹).

اعتماد نهادی مبتنی بر ارزیابی عملکردهای نهادی است. ارزیابی می‌تواند از سوی مؤسسات و یا کارکنان مسئول مؤسسات انجام شود. به عنوان مثال، اعتماد به نفس می‌تواند از ادراک عمومی سیاستمداران و بوروکرات‌هایی که وظایف خود را با روشی قابل اعتماد انجام می‌دهند سرچشمه بگیرد. اعتماد نهادی باعث بهبود عملکرد مؤسسات و اعتماد به نفس پرسنل مسئول می‌شود و همچنین آن‌ها را قادر می‌سازد وظایف خود را انجام دهند (مورون و همکاران ۲۰۰۹: ۹). نهادهای مورد تحقیق در ایران نهادهایی هستند که از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و تأثیر زیادی بر زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مردم دارند. از جمله

شورای نگهبان، مجلس شورای اسلامی، قوه قضاییه و دولت.

اعتماد نهادی از طریق ۸ سؤال و با استفاده از طیف لیکرت موردسنجش قرار گرفته است. از جمله گویه‌های مورداستفاده برای سنجش این متغیر عبارت‌اند از: شورای نگهبان به‌درستی و بدون هیچ ملاحظه‌ای به صلاحیت نامزدهای انتخاباتی رسیدگی می‌کند، به مجلس شورای اسلامی به‌عنوان نهادی کارآمد در تنظیم و تدوین قوانین اطمینان دارم، به قوه قضاییه به‌عنوان نهادی کارآمد در رسیدگی و رفع مشکلات مردم اطمینان دارم.

### مشارکت سیاسی غیررسمی

مشارکت فرآیندی است که دربرگیرنده انواع کنش‌های فردی و گروهی به‌منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیر گذاردن بر تصمیم‌گیری درباره امور عمومی است (شوهانی و شوهانی، ۱۳۹۸: ۷۴).

مشارکت سیاسی به معنای فعالیت و تلاش مردم برای سهمین شدن در ساختار قدرت سیاسی، ایجاد تعامل بین مردم و حاکمیت است که یکی از ارکان‌های مهم نظام سیاسی در اداره کشور تلقی می‌شود (امینی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱). همچنین مشارکت سیاسی غیررسمی عبارت از هرگونه عمل داوطلبانه‌ای است که اعضای جامعه به‌منظور حمایت یا تأثیرگذاری بر نظام و جریان‌های سیاسی و در خارج از چارچوب‌های تعیین‌شده و رسمی کشور انجام می‌دهند. این نحوه مشارکت شامل هرگونه فعالیت سیاسی می‌شود که درکنش متقابل بین افراد و در رابطه آن‌ها با حکومت انجام می‌شود و ساخت و شکل از پیش تعیین‌شده و برنامه‌ریزی‌شده ندارد (حبیب پور گتابی و موسوی، ۱۳۹۵: ۳۷۶). متغیر مشارکت سیاسی غیررسمی از طریق ۷ سؤال و با استفاده از طیف لیکرت موردسنجش قرار گرفته است. از جمله گویه‌های مورداستفاده برای سنجش این متغیر عبارت‌اند از: پیگیر اخبار سیاسی از طریق رسانه‌ها هستم، در جمع دوستان و اقوام درباره مسائل سیاسی صحبت می‌کنم، در انجمن‌های دانشجویی فعالیت داشته‌ام.

## پاسخگویی

پاسخگویی به این معنا که مردم بتوانند نهادها را در برابر آنچه بر آنها تأثیر می‌گذارد مورد سؤال قرار دهند (والاس<sup>۱۷</sup>، ۲۰۰۹: ۲۵۵). پاسخگویی یکی از ارزش‌های کلیدی مستخدمان خدمات کشوری در دموکراسی‌ها و به‌خصوص دموکراسی‌های پیشرفته است. از منظری وسیع‌تر پاسخگویی بخشی از هویت مدیریت چه در سازمان‌های عمومی، دستگاه اداری ملی، دادگاه‌ها و چه در شرکت‌ها، انجمن‌ها و تیم‌های خصوصی است (فقیهی، ۱۳۸۰: ۵۴). پاسخگویی نهادها، سازمان‌ها و مؤسسات در چارچوب قانونی و زمانی مشخص در برابر اعضا خود و ارباب‌رجوع از جمله عواملی است که به استوار شدن پای‌های حکمرانی خوب در یک جامعه منجر می‌شود (صدرایی، ۱۳۹۶: ۲۹). پاسخگویی در مورد تصمیم‌های گرفته‌شده و نحوه تطبیق آن در یک میعاد یا دوره زمانی معین به مردم و مراجع مربوطه انجام شود. پاسخگویی در برابر قانون و در برابر مردم باید در تمام زمینه‌ها و بخش‌ها وجود داشته باشد (بهروزی و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۴).

متغیر پاسخگویی به‌عنوان متغیر وابسته با ۴ سؤال و با استفاده از طیف لیکرت موردسنجش قرار گرفته است. گویه‌های مورد استفاده برای سنجش این متغیر عبارت‌اند از: اغلب مردم به مسئولین دسترسی دارند و درخواست‌های خود را مطرح می‌کنند، اغلب مسئولین به سهولت اجازه ملاقات به ارباب‌رجوع را داده و به مشکلات آن‌ها رسیدگی می‌کنند، جلسات منظمی به‌صورت پرسش و پاسخ از سوی مسئولین برای رسانه‌ها برگزار می‌شود، مردم غالباً به‌آسانی به نهادهای نظارتی دسترسی داشته و در صورت شکایت از هر کدام از نهادها به‌سرعت به درخواست آن‌ها رسیدگی می‌شود.

## روش تحقیق

### جامعه آماری، حجم نمونه و شیوه نمونه‌گیری

جامعه آماری این تحقیق افراد ۱۸ تا ۵۰ سال به بالا هستند که در شهر کرمانشاه ساکن هستند. طبق سرشماری عمومی سال ۱۳۹۵ جمعیت شهر کرمانشاه ۱/۰۸۳/۸۳۳ نفر می‌باشد. برای محاسبه حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است که بر این اساس تعداد ۳۸۴

نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شده است. شیوه نمونه‌گیری بر اساس روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای است. طبق سرشماری سال ۱۳۹۵ شهر کرمانشاه به ۸ منطقه تقسیم شده است و پرسشنامه متناسب با جمعیت هر یک از این مناطق توزیع شده است. پس از گردآوری داده‌ها، اطلاعات کدگذاری شده و با استفاده از نرم‌افزار (SPSS) تحلیل داده‌ها انجام گرفته است.

### تحلیل داده‌ها

مطالعه حاضر با استفاده از روش پیمایش صورت گرفته است. تکنیک به کار گرفته شده در این تحقیق پرسشنامه می‌باشد. برای سنجش گویه‌ها از طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت که شامل گزینه‌های خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد بهره برده‌ایم. بر این اساس به گزینه خیلی کم نمره (۱) و به گزینه خیلی زیاد نمره (۵) داده شده است. همچنین برای آزمون روابط بین متغیرهای سرمایه اجتماعی و پاسخگویی نهادهای حکومتی از ضریب همبستگی پیرسون و برای پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته توسط متغیر مستقل از تحلیل رگرسیون چند متغیره و برای برآورد تأثیرات نسبی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر پاسخگویی نهادهای حکومتی از روش تحلیل مسیر استفاده شده است. اعتبار پرسشنامه از طریق ارسال برای اساتید و مشورت گرفتن از آن‌ها به دست آمده و پایایی گویه‌ها نیز از طریق آزمون آلفای کرونباخ محاسبه گردیده است.

### یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد که از ۳۸۴ نفر افراد پاسخگو به پرسشنامه ۵۳/۴ درصد را زنان و ۴۶/۶ درصد را مردان تشکیل می‌دهند. بیشترین تعداد پاسخگویان در گروه سنی ۱۸ تا ۳۰ سال (۵۲/۸ درصد) قرار گرفته‌اند.

تحصیلات اکثر پاسخگویان کارشناسی (۴۵/۸ درصد) است و بعد از آن افراد با تحصیلات دیپلم و زیر دیپلم در رده بعدی قرار دارند.

جدول (۱) توزیع نسبی پاسخگویان برحسب متغیرهای زمینه‌ای

متغیر	طبقات	f	%
جنسیت	مرد	۱۷۹	۴۶/۶
	زن	۲۰۵	۵۳/۴
جمع کل:		۳۸۴	۱۰۰
سن	۱۸-۳۰	۲۰۳	۵۲/۸
	۳۰-۴۰	۸۶	۲۲/۴
	۴۰-۵۰	۵۶	۱۴/۶
	بیشتر از ۵۰ سال	۳۹	۱۰/۲
	جمع کل:		۳۸۴
تحصیلات	دیپلم و زیر دیپلم	۱۲۸	۳۳/۳
	کارشناسی	۱۷۶	۴۵/۸
	کارشناسی ارشد	۶۳	۱۶/۴
	دکتری	۱۷	۴/۵
جمع کل:		۳۸۴	۱۰۰

بر اساس نتایج به دست آمده ضریب آلفای مربوط به متغیرهای تحقیق ۰/۹۴۴ بوده است که نشان از درصد بالایی پایایی هر یک از پرسش‌هاست. نهادهای حکومتی شامل عملکرد دولت، مجلس، قوه قضاییه و شورای نگهبان می‌باشد.

جدول (۲) ضرایب آلفای کرونباخ مقیاس‌های تحقیق

میزان آلفای کرونباخ	تعداد پرسش‌شونده‌ها	تعداد سؤالات
۰/۹۴۴	۳۸۴	۳۶

میانگین نمرات به‌دست‌آمده از پاسخ‌های داده‌شده به پرسشنامه بعد از پر شدن پرسشنامه با جمع کردن نمرات هر فرد در پاسخ به سؤالات مربوط به متغیرهای زیر، اعدادی که به دست آمد به شرح زیر است:

جدول (۳) میانگین نمرات به‌دست‌آمده برای گویه‌های تحقیق

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
آگاهی	۳/۳۷	۱/۰۶۶	۱	۵
اعتماد عمومی	۳/۰۷۵	۰/۶۱۹	۱	۵
اعتماد نهادی	۲/۵۳	۰/۸۸۴	۱	۵
مشارکت سیاسی غیررسمی	۲/۵۱	۰/۹۸۲	۱	۵
پاسخگویی	۱/۵۵	۰/۶۲۳	۱	۱

میانگین نمرات به‌دست‌آمده نشان می‌دهد متغیرهای آگاهی و اعتماد عمومی در جامعه از سطح نسبتاً بالایی برخوردارند. متغیرهای اعتماد نهادی و مشارکت سیاسی غیررسمی در وضعیت متوسطی قرار دارند ولی پاسخگویی نهادهای حکومتی از نظر پرسش‌شوندگان سطح پایینی را به دست آورده است.

آزمون همبستگی: برای آزمون همبستگی بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی با پاسخگویی نهادهای حکومتی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است.

جدول (۴) آزمون همبستگی متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

متغیر	متغیر وابسته	مقدار همبستگی پیرسون	سطح معنی داری
آگاهی	پاسخگویی	۰/۱۱	۰/۰۲۹
اعتماد عمومی	پاسخگویی	۰/۰۴۰	۰/۴۴۰
اعتماد نهادی	پاسخگویی	۰/۱۸۳	۰/۰۰۰
مشارکت سیاسی غیررسمی	پاسخگویی	۰/۴۶۳	۰/۰۰۰

داده‌های جدول حاکی از آن است که بین متغیرهای آگاهی، اعتماد نهادی و مشارکت سیاسی غیررسمی با متغیر پاسخگویی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و بیشترین میزان همبستگی به رابطه بین مشارکت سیاسی غیررسمی با پاسخگویی نهادهای حکومتی مربوط می‌باشد. اما بین اعتماد عمومی با پاسخگویی نهادهای حکومتی هیچ رابطه‌ای وجود ندارد.

### تحلیل رگرسیون:

برای پیش‌بینی تغییرات متغیر پاسخگویی توسط مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی از تحلیل رگرسیون چند متغیره استفاده گردیده است.

جدول (۵) نتایج رگرسیون چند متغیره

خطا (sig)	F		ضریب تعیین		ضریب همبستگی
۰/۰۰	۲۸/۴۹		۰/۲۳۱		۰/۴۸۱
خطا (sig)	t	Beta	خطای استاندارد	B (ضریب)	متغیرها
۰/۰۰۰	۶/۹۶		۰/۱۵۵	۱/۰۷۹	مقدار ثابت
۰/۲۵۹	-۱/۱۳۰	-۰/۵۶	۰/۰۵۰	-۰/۰۵۶	اعتماد عمومی
۰/۳۵۵	۰/۹۲۵	۰/۰۴۹	۰/۰۳۸	۰/۰۳۵	اعتماد نهادی
۰/۰۱۲	-۲/۵۲	-۰/۱۳۲	۰/۰۳۱	-۰/۰۷۷	آگاهی
۰/۰۰۰	۹/۷	۰/۵۱۶	۰/۰۳۳	۰/۳۲۷	مشارکت سیاسی غیررسمی
متغیر وابسته: پاسخگویی					

مجذور ضریب همبستگی یا ضریب تعیین همواره بین صفر و یک در نوسان است و هر چه میزان این ضریب به یک نزدیک‌تر باشد نشان‌دهنده این امر است که متغیرهای مستقل توانسته‌اند میزان زیادی از واریانس متغیر وابسته را تبیین کنند. ضریب تعیین به‌دست‌آمده برابر با «۰/۲۳۱ درصد» می‌باشد یعنی شاخص‌های سرمایه اجتماعی توانسته‌اند «۲۳ درصد» از واریانس متغیر پاسخگویی را تبیین کنند. همان‌گونه که از جدول فوق مشخص است ضریب همبستگی «۰/۴۸۱ درصد» نشان‌دهنده همبستگی متوسط و خوبی بین متغیرهای مستقل با متغیر وابسته وجود دارد. نمره به‌دست‌آمده از طریق آزمون F نشان‌دهنده این امر است که مدل رگرسیون مدل مناسبی برای تحقیق بوده و می‌تواند تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهد. ضریب رگرسیونی Beta کمک می‌کند تا سهم نسبی متغیر مستقل در تبیین متغیر وابسته مشخص گردد. آماره t اهمیت نسبی حضور هر متغیر مستقل را در مدل نشان می‌دهد. هراندازه بتا و t بزرگ‌تر و سطح معنی‌داری کوچک‌تر باشد بدین معناست که متغیر مستقل تأثیر قوی‌تری بر متغیر وابسته دارد. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که متغیرهای «آگاهی» و «مشارکت سیاسی غیررسمی» تأثیر مستقیمی بر پاسخگویی نهادهای حکومتی دارند اما متغیر «اعتماد عمومی» و «اعتماد نهادی» با توجه به سطح معنی‌داری و ضریب بتای پایین مورد تأیید قرار نمی‌گیرند و از معادله حذف می‌شوند. از بین متغیرهای مستقل نیز مشارکت سیاسی غیررسمی توانسته به بیشترین قدرت را در تبیین پاسخگویی نهادهای حکومتی داشته باشد. همچنین برای سنجش میزان تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته از روش تحلیل مسیر استفاده شده است.

جدول (۶) تأثیر مستقیم و غیرمستقیم و کل متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته پاسخگویی نهادهای حکومتی

متغیرها	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم				جمع اثرات غیرمستقیم	اثر کل
		۱	۲	۳	۴		
۱- آگاهی	۰/۷۷/۰-	۱۳۹/۰	-	-	-	۱۳۹/۰	۰/۶۲/۰
۲- مشارکت سیاسی غیررسمی	۳۲۷/۰	-	-	-	-	-	۳۲۷/۰



نتایج تحلیل مسیر نشان می‌دهد که متغیر آگاهی به‌صورت توأمان بر متغیر وابسته هم تأثیر مستقیم و هم تأثیر غیرمستقیم دارد و میزان اثر کل آن «۰/۰۶۲» و متغیر مشارکت سیاسی غیررسمی دارای اثر مستقیم بر متغیر پاسخگویی و میزان اثر کل آن بر متغیر وابسته «۰/۳۲۷» می‌باشد.

در این قسمت با توجه به اطلاعات به‌دست‌آمده از تحلیل رگرسیون به تحلیل نتایج آن می‌پردازیم.

فرضیه اول مدعی تأثیر آگاهی بر پاسخگویی نهادهای حکومتی است. این فرضیه مورد تأیید قرار گرفت و به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم بر پاسخگویی نهادهای حکومتی اثرگذار است.

فرضیه دوم مدعی تأثیر اعتماد عمومی بر پاسخگویی نهادهای حکومتی است. این فرضیه مورد تأیید قرار نگرفت.

فرضیه سوم مدعی تأثیر اعتماد نهادی بر پاسخگویی نهادهای حکومتی است. این فرضیه مورد تأیید قرار نگرفت.

فرضیه چهارم مدعی تأثیر مشارکت سیاسی رسمی بر پاسخگویی نهادهای حکومتی است. این فرضیه مورد تأیید قرار گرفت و اثرگذاری مستقیم بر متغیر پاسخگویی دارد.

## نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش بررسی تأثیر شاخص‌های سرمایه اجتماعی بر پاسخگویی نهادهای حکومتی است و بدین منظور تعدادی از مطالعات انجام‌شده داخلی و خارجی که از نظر موضوعی به تحقیق حاضر نزدیک‌تر بودند مورد بررسی قرار گرفتند. و نظریه رابرت پاتنام درباره اثرگذاری سرمایه اجتماعی بر عملکرد نهادها به‌عنوان چارچوب نظری تحقیق مورد مطالعه قرار گرفته و برای سنجش گویه‌ها طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت استفاده شده است. نتیجه به‌دست‌آمده از بررسی میانگین نمرات به‌دست‌آمده از پاسخ‌های داده‌شده به پرسشنامه، متغیر آگاهی ۳/۳۷، متغیر اعتماد عمومی ۳/۰۷۵، متغیر اعتماد نهادی ۲/۵۳ و متغیر مشارکت سیاسی غیررسمی امتیاز ۲/۵۱ را به دست آورده‌اند. شاخص‌های سرمایه اجتماعی با توجه به

ضریب همبستگی پیرسون توانسته‌اند رابطه مثبت و معناداری را با متغیر پاسخگویی نهادهای حکومتی برقرار کنند. ضریب همبستگی به‌دست آمده (۰/۴۸۱) نشان‌دهنده همبستگی متوسطی بین متغیرهای مستقل با متغیر وابسته است و مجذور ضریب همبستگی یا ضریب تعیین (۰/۲۳۱) نیز نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل توانسته‌اند به میزان ۲۳ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین کنند. بتای به‌دست آمده در آزمون رگرسیون به ترتیب برای مشارکت سیاسی غیررسمی (۰/۵۱۶)، آگاهی (۰/۱۳۲)، اعتماد عمومی (۰/۵۶) و اعتماد نهادی (۰/۴۹) می‌باشد. همچنین تحلیل مسیر نشان می‌دهد که متغیر مشارکت سیاسی غیررسمی با (۰/۳۲۷) توانسته است به میزان بیشتری نسبت به متغیر آگاهی (۰/۰۶۲) پیش‌بینی کننده تغییرات متغیر پاسخگویی باشد. بر اساس نتایج به‌دست آمده، متغیر مشارکت سیاسی غیررسمی توانسته است بیشترین قدرت را در تبیین پاسخگویی نهادهای حکومتی ایفا کند. بنابراین فرضیه «افزایش مشارکت سیاسی غیررسمی بر پاسخگویی نهادهای حکومتی تأثیرگذار است» مورد تأیید قرار گرفت. به این معنی که هر چه در یک جامعه مشارکت سیاسی غیررسمی بیشتر باشد و افراد تمایل بیشتری برای حضور در بحث‌های سیاسی و یا پیگیری مطالبات سیاسی خود داشته باشند به همان میزان پاسخگویی نهادهای حکومتی نیز مطلوب‌تر خواهد بود. متغیر آگاهی نیز بر پاسخگویی نهادهای حکومتی تأثیر دارد هرچند این تأثیر نسبت به مشارکت سیاسی غیررسمی ضعیف است. بدین معنا که هر چه آگاهی شهروندان از مسائل عمومی جامعه بیشتر باشد به همان میزان نسبت به حقوق خود و وظایف مسئولین در قبال خودشان آگاه‌تر شده و حس مطالبه‌گری در وجود آن‌ها تقویت شده و تلاش می‌کنند تا مسئولین را در قبال تصمیمات اتخاذشده از سوی آن‌ها مورد پرسش قرار داده و مسئولین را وادار به پاسخگویی کنند. اما با توجه به میزان بتای به‌دست آمده و سطح معنی‌داری در دو متغیر اعتماد عمومی و اعتماد نهادی که از میزان مطلوب ۰/۰۵ بیشتر است، این دو متغیر هیچ تأثیری بر پاسخگویی نهادهای حکومتی نداشته‌اند. بنابراین فرضیه‌های مطرح شده درباره تأثیر اعتماد عمومی و تأثیر اعتماد نهادی بر پاسخگویی نهادهای حکومتی مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. میانگین نمرات به‌دست آمده از پرسشنامه نشان‌دهنده این امر است که شهروندان کرمانشاهی به میزان قابل قبولی نسبت به مسائل عمومی جامعه آگاهی دارند و سطح اعتماد بین افراد جامعه و اعتماد به نهادها از وضعیت متوسطی برخوردار است. همچنین وضعیت

مشارکت غیررسمی ساکنین شهر کرمانشاه در وضعیت متوسطی قرار دارد اما کمترین میانگین به دست آمده متعلق به متغیر پاسخگویی است. به این ترتیب شهروندان کرمانشاهی معتقدند که نهادهای حکومتی در برابر مردم تا حد زیادی پاسخگو نیستند. در نهایت با توجه به عدم تأیید دو فرضیه از چهار فرضیه مطرح شده می توان نتیجه گرفت که نظریه رابرت پاتنام که توانسته تأثیرگذاری سرمایه اجتماعی بر عملکرد نهادها را در مناطق شمالی و جنوبی ایتالیا توضیح دهد نمی تواند در مورد جامعه مورد مطالعه در این تحقیق به طور کامل مصداق داشته باشد و از بین متغیرهای مطرح شده از سوی پاتنام که برای بررسی جامعه ایتالیا مورد استفاده قرار گرفته است تنها تأثیرگذاری دو مؤلفه مشارکت سیاسی غیررسمی و آگاهی مورد تأیید قرار می گیرد.

### پی نوشت

1. Easton
2. Boix
3. posner
4. Denis
5. Alexis de Tocqueville
6. Carl Marx
7. Max weber
8. Georg Simmel
9. Lyda Judson Hani fan
10. Jane Jacobs
11. James coleman
12. Robert putnam
13. Bonding social capital
14. Bridging social capital
15. Park and shin
16. Meclurg
17. Wallace

کتابنامه

الف: فارسی

۱. ابراهیم آبادی، غلامرضا (۱۳۸۴). پاسخگویی: مسائل و ابعاد آن، تهران، دفتر مطالعات سیاسی.
۲. ابراهیم زاده، عیسی و زارع، محمد (۱۳۹۳). «تحلیل بر سرمایه اجتماعی با تأکید بر آگاهی و اعتماد شهروندان نسبت به مسئولان اجرایی». مطالعه موردی: منطقه ۳ زاهدان، «مجله آمایش جغرافیایی فضا، فصلنامه علمی-پژوهشی دانشگاه گلستان»، سال چهارم، شماره مسلسل سیزدهم: ۵.
۳. ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳). توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران، تهران، نشر نی.
۴. اکبری، محمدعلی (۱۳۹۴). «رویکردی تاریخی بر شکل‌گیری و تحول نظریه سرمایه اجتماعی»، «جامعه‌شناسی تاریخی»، سال هفتم، شماره ۱: ۱۳.
۵. الوانی، مهدی و شیروانی، علیرضا (۱۳۸۳). «سرمایه اجتماعی: اصل محوری توسعه»، «مجله تدبیر»، شماره ۱۴۷: ۱۶.
۶. امینی، سلام، کواکبیان، مصطفی، شیرینی، طهمورث. (۱۳۹۹). «مطالعه عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت سیاسی مردم استان ایلام»، «فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران».
۷. امیریان، سهراب، عارفی، مسلم و میره‌ای، محمد (۱۳۹۸). «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر احساس امنیت شهروندان: مطالعه موردی: شهر نورآباد»، «مجله مدیریت سرمایه اجتماعی»، دوره ۶، شماره ۴، زمستان، ۸.
۸. بهروزی، محمد، پورکیانی، مسعود، درخشان، مژگان و باقری، محمد مهدی (۱۳۹۹). «مطالعه رابطه شاخص‌های شفافیت و پاسخگویی و کنترل فساد بر شاخص رفاه لگاتوم مطالعه کشورهای حوزه سند چشم‌انداز توسعه»، «فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران»، سال سوم، شماره دوم (پیاپی ۱۰)، تابستان، ۴۴.
۹. پاتنام، رابرت (۱۳۸۰). دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، سلام.
۱۰. تاج‌بخش، کیان (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی، اعتماد و دموکراسی، ترجمه افشین خاک‌باز و حسن پویان، تهران، شیرازه.
۱۱. حبیب پورگنابی، کرم و موسوی، سید حمیدرضا (۱۳۹۵). «رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی شهروندان قم»، «فصلنامه رفاه اجتماعی»، سال شانزدهم، شماره ۶۲: ۳۷۶.
۱۲. خضری، محمد (۱۳۸۴). نقش سرمایه اجتماعی در عملکرد اقتصاد کلان، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۳. درویشی، محمد رسول، قائدی، محمدرضا، کشیشیان سیرکی، گارینه، توحیدفام، محمد (۱۳۹۹).

- «مؤلفه‌های جغرافیای سیاسی تأثیرگذار بر سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی در جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی: دولت حسن روحانی)، فصلنامه علمی-پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال دوازدهم، شماره چهارم: ۱۳۷-۱۳۶.
۱۴. رستگار خالد، امیر و عظیمی، هاجر (۱۳۹۱). «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با شهروندی دموکراتیک، مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه تهران»، فصلنامه علوم اجتماعی شماره ۵۹: ۲۰.
۱۵. رهبر، عباسعلی و فاطمه، حیدری (۱۳۹۰). «تأثیر سرمایه اجتماعی بر ارتقاء سیاست‌گذاری»، پژوهشنامه روابط بین‌الملل، دوره ۴، شماره ۱۴: ۲۲۲.
۱۶. شفیعا، محمدعلی و شفیعا، سعید (۱۳۹۱). «بررسی رابطه پایدار اجتماعی و سرمایه اجتماعی»، جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۳، شماره پیاپی ۴۶، شماره ۲: ۱۴۵.
۱۷. شوهانی، احمد و شوهانی، نادر (۱۳۹۸). «نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت انتخابات: مطالعه موردی: ایلام»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و نهم: ۷۴.
۱۸. صالحی امیری، سید رضا و امیر انتخابی، شهرود (۱۳۹۲). «راهکارهای ارتقای سرمایه اجتماعی در کشور با توجه به سند چشم‌انداز بیست‌ساله نظام»، فصلنامه راهبرد، سال بیست و دوم، شماره ۶۶: ۶۴.
۱۹. صدراپی، سید صارم (۱۳۹۶). «درآمدی بر مبانی نظری حکمرانی خوب»، ماهنامه پژوهش ملل، دوره دوم، شماره ۱۹.
۲۰. طالع زاری، مریم، سعیدی، پرویز (۱۳۹۸). «مروری جامع بر سرمایه اجتماعی»، فصلنامه رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، سال سوم، شماره ۱۲: ۷.
۲۱. عطار، سعید (۱۳۹۱). «درآمدی بر بنیادهای نظری سرمایه اجتماعی: بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران، یزد، دانشگاه یزد.
۲۲. علاقه بند، مهدی (۱۳۸۴). «درآمدی بر سرمایه اجتماعی»، مجله علوم اجتماعی فصل نو: ۶-۴  
www.fasleno.com
۲۳. علاقه بند، مهدی (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، چاپ سوم، تهران: نشر دانش‌پژوهان.
۲۴. فقیهی، ابوالحسن (۱۳۸۰). «نظام‌های پاسخگویی در بخش دولتی»، مجله مطالعات مدیریت، شماره ۳۰ و ۲۹: ۵۴.
۲۵. فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹). پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه غلام عباس توسلی، تهران: حکایت قلم نوین.
۲۶. فیلد، جان (۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی، ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رضانی، تهران: کویر.
۲۷. کلمن، جیمز (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.
۲۸. محمدی، محمدعلی (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی و سنجش آن، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی.

۲۹. ملاحسنی، حسین (۱۳۸۱). «بررسی رابطه بین میزان سرمایه اجتماعی و نوع دین‌داری در بین دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان در استان گلستان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
۳۰. هیوز، آون (۱۳۷۷). *مدیریت دولتی نوین*، سید مهدی الوانی و دیگران، تهران: مروارید.

ب: لاتین

31. Kelleher, C.A. and J. Wolak (2007), 'Explaining public confidence in the branches of state government', *Political Research Quarterly*, 60(4), 707–21.
32. Lin, N. (1999) *Building a Network Theory Of Social Capital*. *Connections* 22(1): Page 11
33. Meclurg, Scott D. (2003), *Social Network and Politicia Participation*, *Political Research Quarterly*, Vol. 56
34. Morrone, A., N. Tontoranelli and G. Ranuzzi (2009), 'How good is trust? Measuring trust and its role for the progress of societies', *OECD Statistics Working Paper*
35. Newton, K. (2006), 'Political support: social capital, civil society and political and economic performance', *Political Studies*, 54(4), 846–64
36. Offe, clause and Fuchs, Susanne (2002). "Decline of Social Capital? The German CASE", Published in Putnam, Rabert, (2002). *Democracy in Flux. The Evolution of Social capital in contemporary society*, New York: Oxford University Press
37. park chang min and shin chull (2003). *social capital and democratic citizenship: the case of south Korea*. Working paper series: no. 12. page: 4
38. Portes, A. (1998). *Social capital: Its origins and applications in modern sociology*. *Annual Review of sociology*, 24(3)
39. Wallace c. pichler f. (2009) *more participation, Happier society? A comparative study of civil society and the quality of life*
40. Warren, Mark E. (1999), 'Introduction', in Mark E. Warren (ed.), *Democracy and Trust*, Cambridge, UK: Cambridge University Press, pp. 1–21.